

لینک نتیجه مشابهت‌یابی: https://hamyab.sinaweb.net/Ci_result/apidetails/8A93DE9936FF6410/7%

اصول سیاستگذاری هویتی در ج.ا.ا. در سپهر گفتمانی امام خمینی(ره)

نوع مقاله: پژوهشی

محمدرضا غلامی شکارسرای*
جمال عرف**

E-mail: Mgholami2014@yahoo.com

E-mail: dr.jamalorf@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۵/۶

چکیده

اقوام در ایران چه قبل از تشکیل دولت ملی و چه بعد از آن همواره مورد توجه روشنفکران و نخبگان و نظام‌های سیاسی حاکم بوده‌اند. اقوام تا پیش از تثبیت دولت ملی در ایران بیشتر از سوی روشنفکران و عمدتاً در جهت برساخت ناسیونالیسم ایرانی و غالباً در کتب، روزنامه‌ها و اشعار مورد توجه قرار می‌گرفتند. در دوره پهلوی اول و دوم عمدتاً این ناسیونالیسم باستان‌گرا بود که به اقوام موجودیت و معنا می‌بخشید و آن را به‌مثابه تهدیدی برای شکل‌گیری هویتی فراگیر در نظر می‌گرفت؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی نوعی دگرگونی در فضای گفتمانی درخصوص هویت را شاهد هستیم. این گفتمان متفاوت در سال‌های ابتدایی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌طور مشخص، خود را در سپهر گفتمانی امام خمینی(ره) نشان می‌دهد. این مقاله به بررسی مبانی و اصول سیاستگذاری هویتی در ج.ا.ا. بر پایه گفتمان امام خمینی(ره) می‌پردازد. برای این منظور از رهیافت ساختارگرایی، در قالب چارچوب نظری، بهره گرفته شده است. داده‌هایی که در این تحلیل بدان‌ها پرداخته شد شامل سخنرانی‌های امام(ره) در صحیفه امام بوده است. دال مرکزی گفتمان حاکم بر سیاستگذاری هویتی در اندیشه امام(ره)، اتحاد دینی بوده است. هم‌چنین می‌توان از مواردی نظیر برابری، برادری، نفی تفرقه، تنازع و نفی قوم‌گرایی به‌منزله‌ی دال‌های شناور یاد کرد.

کلید واژه‌ها: سیاستگذاری هویتی، اتحاد دینی، برادری و برابری اقوام، نفی تفرقه.

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گیلان، نویسنده‌ی مسؤؤل

** استادیار گروه مطالعات ایران دانشگاه امام باقر(ع)

مقدمه و طرح مسأله

کشور ایران از اقوام گوناگون برخوردار است. نوع رویکرد نظام سیاسی و مسئولان نسبت به سهم اقوام از قدرت و بهره‌شان از منابع مختلف اقتصادی و سیاسی و... از اهمیت خاصی، در برقراری نظم و انسجام در جامعه، برخوردار است؛ چراکه این رویکرد و سیاستگذاری هویتی متأثر از آن باعث می‌شود که اقوام از حس تعلق بیشتری نسبت به ایران و ملیت ایرانی برخوردار شوند و رابطه طولی و عرضی خاصی را در تعامل بین هویت ملی و هویت قومی خود طراحی نمایند. نظام سیاسی در ایران، چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (به‌طور مشخص از زمان رضاشاه) و چه بعد از آن همواره به تدوین سیاست‌های هویتی اقدام کرده است. سیاست‌های مزبور علی‌رغم اشتراک، در هدف غایی خود که همان انسجام‌بخشی و ایجاد حس همبستگی ملی بوده، در عناصر و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده و حتی شیوه‌های اجرا تفاوت‌های جدی داشته‌اند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال‌های آغازین دهه ۶۰ بیانات و رهنمودهای رهبری انقلاب و قانون اساسی دو منبع مهم برای تدوین سیاست‌های هویتی بوده‌اند. در این سال‌ها هنوز سیاست مدونی وجود نداشت؛ لیکن بیانات و آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) تأثیر بسیار زیادی در شکل‌دهی به اصول و مبانی سیاستگذاری هویتی پس از انقلاب اسلامی داشته است. سابقه بحران‌های قومی در ایران نظیر بحران آذربایجان، کردستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان، بهره‌گیری امریکا و انگلیس از این تنش‌ها به‌منظور تعمیق بخشیدن به بحران مرکز و پیرامون در ایران و تضعیف انقلاب اسلامی و مهم‌تر از همه دکترین امت‌مدارانه‌ی امام خمینی (ره) سه رأس مثلی را تشکیل می‌دهند که موجبات شکل‌دهی به گفتمان امام خمینی (ره) را در خصوص هویت فراهم می‌سازند. در این پژوهش بر آنیم تا مهم‌ترین مؤلفه‌های این سپهر گفتمانی و هم‌چنین اغیار گفتمانی آن را مشخص نماییم.

پیشینه تحقیق

مهم‌ترین تحقیقات موجود در خصوص سیاست‌های هویتی در ایران در قالب جدول شماره ۱ ارائه می‌شود:

عنوان	سال	نویسنده / نویسندگان	نتایج
ارزیابی الگوهای سیاستگذاری و مدیریت قومی در ایران	۱۳۹۸	ابوالقاسم محمودی / رسول افضلی / یاشار ذکی / کیومرث یزدان پناه	تأکید بر اشتراکات اجتماعی، مشارکت سیاسی اقوام، احترام به زبان و آداب و رسوم، استفاده از نخبگان قومی و ایجاد توازن و سازش میان تعلقات ملی و قومی، نقاط قوت سیاست‌ها بوده است.
بررسی و تحلیل نظام سیاستگذاری قومی در ایران	۱۳۹۷	مقصود رنجبر / مسعود اصلانی / هادی افراسیابی	سیاست اتخاذ شده در کشور ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی متناسب با تحولات حوزه اجتماعی از نوع وحدت در کثرت بوده است.
تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران؛ راهبردها و سیاست‌ها	۱۳۹۶	حمید هوشنگی	تنوع قومی در ایران در قالب فرصت معرفی شده است که اگر برنامه‌ریزی متناسب با شرایط عمومی و بین‌المللی کشور انجام شود، می‌تواند باعث بالندگی فرهنگ کشور و توسعه همه‌جانبه گردد.
تحلیل گفتمان سیاست‌های قومی پس از انقلاب اسلامی: با تأکید بر دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۶	۱۳۹۵	محمد رضا غلامی	نوسازی مناطق قومی، دال مرکزی و حاکمیت سیاسی و وحدت ملی از جمله دال‌های شناور در گفتمان سیاست قومی در این دوره بوده‌اند.
قومیت، ملیت و اندیشه فراملی از دیدگاه امام خمینی(ره)	۱۳۹۲	تبیان	امام خمینی(ره) ملیت را تنها در حدود اسلام و در سایه تعالیم آن می‌پذیرند.
بررسی مفهوم قومیت و ملی‌گرایی در اندیشه امام خمینی(ره) و شهید مطهری	۱۳۹۲	زهرا قاسمی و همکاران	امام خمینی قومیت و ملی‌گرایی را نقشه‌ی استعمار دانسته‌اند و شهید مطهری معتقد است دین اسلام همواره به شیوه‌های مختلف تلاش نموده است تا ریشه ملیت‌پرستی و تفاخر قومی را از جا برکند.
تنوع قومی، سیاست چند فرهنگی و الگوی شهروندی: بررسی موردی ایران معاصر	۱۳۸۶	فرامرز تقی‌لو	همبستگی ملی باید به شیوه‌های درون‌جوش، ساختاری و پایدار تأمین گردد. چنین رویکردی بر مبنای وحدت در عین کثرت استوار است.

استعاره صراط مستقیم مرز بین خودی و غیرخودی و راه برون‌رفت از بحران هویت را نمایان ساخته و شکاف میان خود واقعی و خود کاذب را افشا می‌کند.	ابراهیم برزگر	۱۳۷۹	صراط، ضابطه هویت در اندیشه امام خمینی (ره)
اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای مساوات‌طلبانه نقش اثرگذار در کاهش تنش‌ها بین چینی‌ها و مالایی‌ها داشته و سبب اصلاح رویکرد اقلیت‌های مذکور نسبت به دولت حاکم شده است.	گیوک لینگ اوی	۲۰۰۵	نقش دولت توسعه‌گرا در روابط بین قومی در سنگاپور

مباحث نظری

گروه‌های قومی، اجتماع کوچکی از انسان‌ها در درون جامعه‌ای بزرگتر هستند که به صورت «واقعی» یا «احساسی و ادراکی» دارای نَسَب مشترک، خاطرات مشترک و گذشته تاریخی - فرهنگی مشترک هستند؛ هم‌چنین دارای یک یا چند عنصر سمبلیک نظیر، خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترکند که این هویت گروهی، آنان را از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد و اعضای آن به تعلقات گروهی - قومی خویش آگاهی دارند. (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۰)

قومیت به مثابه واقعیتی اجتماعی و چندوجهی است که می‌توان آن را از منظر جامعه‌شناسان کلاسیک، نو مارکسیست‌ها، کارکردگرایان، تعامل‌گرایان نمادین، زیست‌شناسی اجتماعی، نظریه انتخاب عقلانی، انسان‌شناسی اجتماعی، برساخت‌گرایی اجتماعی و نظریه نخبگان مورد بررسی قرار داد. (مالشویچ، ۱۳۹۰؛ شیرازی، ۱۳۹۵؛ بالمر و سولوموز، ۱۳۸۱)

در فهم قوم، قومیت و هویت قومی، سه رهیافت متضاد وجود دارد که با نام‌های بدوی‌گرایان، ابزارگرایان و ساختارگرایان شناخته می‌شوند: بدوی‌گرایان، هویت قومی را امری باطنی، قلبی و کهن می‌دانند که متأثر از تعلق خاطر اولیه افراد به گروهی خاص و یا فرهنگی خاص است. در رهیافت ابزارگرایان، قومیت به مثابه ابزاری سیاسی تلقی می‌گردد که رهبران در تعقیب عمل‌گرایانه‌ی منافع خویش، آن را ساخته و از آن بهره می‌جویند. ساختارگرایان، قومیت را امری تصادفی و تغییرپذیر می‌دانند که علاوه بر شکل‌گیری آن در فرایند تاریخی، به وسیله ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، استمرار و انعطاف می‌پذیرد. (مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۱)

تبدیل اقوام به سوژه‌های سیاسی تا حدود زیادی متأثر از رویکرد نظام سیاسی حاکم به آنها و سیاستگذاری قومی است. در واقع هدف اصلی در سیاستگذاری‌های قومی آن است که از بروز بحران مرکز و پیرامون در نظام تثبیت شده موجود پرهیز کنند. در ادامه سعی می‌شود تا به آن دسته از نظریاتی که در حوزه ی جامعه‌شناسی سیاسی به سیاسی شدن مسأله‌ی اقوام در سطح کلان می‌پردازند، اشاره شود. در اینجا می‌توان بر پایه‌ی رهیافت ساختارگرایی در مطالعه‌ی اقوام به دودسته از نظریات کلان اشاره کرد: اول، نظریه‌های نوسازی، دوم، نظریه‌ی استعمار داخلی. نظریه‌های نوسازی نیز خود به دودسته تقسیم می‌شوند: اول نظریه‌هایی که به تأثیر نوسازی بر کاهش هویت قومی اشاره می‌کنند؛ این رویکرد نویدبخش کاهش منازعات قومی است. اندیشمندانی نظیر فردیناند تونیس، کارل دویچ، کلیفورد گیرتز و مک کورمک با مثبت خواندن نقش عناصر مدرنیته بر فرایند رو به کاهش ستیزه‌های قومی تأکید ورزیده‌اند (مقصودی، ۱۳۷۹: ۱۷۴). دسته دوم نظریات نوسازی، نظریه‌هایی هستند که بر تأثیر نوسازی بر افزایش هویت قومی توجه دارند و معتقدند عناصر، نهادها و ارزش‌های منبعث از نوسازی مانند رشد باسوادی و آموزش، توسعه شهرنشینی، گسترش رسانه‌های ارتباط جمعی، صنعت‌گرایی و... سبب به عرصه آمدن قومیت‌ها و بازنمایی خود در جامعه شده‌اند. بر پایه نظریه استعمار داخلی مایکل هکتر، همبستگی قومی ممکن است، در یک نظام سیاسی ملی، در نتیجه وخیم شدن نابرابری‌های منطقه‌ای، بین یک هسته‌ی متمایز فرهنگی و پیرامون آن، تقویت شود. نگرانی نخبگان مرکز، حفظ وابستگی ابزاری جمعیت پیرامون است؛ در نتیجه اعضای گروه‌های پیرامون به دنبال استفاده از نشانه‌های فرهنگی به منزله‌ی اهرم‌هایی برای پایان دادن یا غیرموجه ساختن ترتیب‌های غالب هستند. در چنین وضعیتی، عوامل فرهنگ‌ساز به صورت ویژگی‌های کهن باقی نمی‌مانند؛ بلکه به عناصر تبعیض‌گر سیاسی تبدیل می‌شوند. (اشرف، ۱۳۸۳: ۱۵۶) نظریه هکتر با سه گزاره جمع می‌شود؛ ۱- هر چه نابرابری اقتصادی بین جماعت‌ها بیشتر باشد، احتمال همبستگی بیشتر بین جماعت کمتر پیشرفته وجود دارد ۲- هر چه میزان ارتباطات داخلی جماعت‌ها بیشتر باشد، همبستگی جماعت حاشیه‌نشین بیشتر می‌شود ۳- هر چه تفاوت‌های فرهنگی بیشتر باشد، احتمال همبستگی بیشتر جماعت پیرامونی متمایز از لحاظ فرهنگی افزایش خواهد یافت. (رنجبر، ۱۳۸۴: ۱۵۷) پیش‌فرض اساسی در نظریه هکتر آن است که استعمار داخلی از پیامدهای تأسیس دولت ملت است و با زوال دولت ملت‌ها از میزان این استعمار و به تبع آن قوم‌گرایی و ظهور جنبش‌های

هویت قومی کاسته می‌شود. اگرچه در نظریه استعمار داخلی هکتر نگاه منفی و بدبینانه‌ای نسبت به استعمار غربی وجود دارد؛ اما از اساس با مبانی معرفت‌شناختی امام خمینی (ره) متفاوت است. این مقاله به‌طور مشخص در پی آن است که از دل مبانی معرفتی امام خمینی (ره) اصول و مبانی سیاستگذاری هویتی در ج.ا.ا را استخراج نماید.

سؤالات تحقیق

- ۱- مبانی و اصول سیاستگذاری هویتی در ج.ا.ا. در سپهر گفتمانی امام خمینی (ره) چیست؟
- ۲- دال‌های مرکزی و شناور در سپهر گفتمانی امام خمینی (ره) کدام‌اند؟
- ۳- اغیار گفتمانی بر پایه آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره) کدام‌اند؟

روش تحقیق

در این مقاله روش تحقیق ترکیبی از نظریه لاکلائو و موفه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف است. آنچه موجب می‌شود تا از تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به منزله‌ی ابزار تحلیل در بخش روش‌شناسی بهره گرفته شود، آن است که تحلیل انتقادی فرکلاف صرفاً در سطح توصیف (مکانیسم‌ها و سازوکارها) باقی نمی‌ماند و به سطح تبیین (چرایی) نیز می‌رسد.

جامعه آماری

جامعه آماری این مقاله، بیانات امام (ره) مندرج در کتاب صحیفه امام است.

شیوه‌ی نمونه‌گیری

در این مقاله شیوه‌ی نمونه‌گیری از نوع هدفمند و نظری است. در این شیوه از نمونه‌گیری، نمونه‌هایی انتخاب می‌شوند که بتوانند آن‌گونه یا سنخ را به بهترین نحو نمایندگی کنند. در این شیوه، نمونه‌گیری تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که اشباع حاصل شود. براساس این شیوه‌ی نمونه‌گیری، پنج سخنرانی از سخنرانی‌های امام (ره) که در ارتباط با مسائل هویت است مورد بررسی قرار گرفته است.

تعریف مفهومی ناسیونالیسم

ناسیونالیسم در اصطلاح عقیده‌ای است که تا حد ممکن مرزهای ملت (که حافظه

تاریخی مشترک، زبان مشترک، فرهنگ و آداب رسوم مشترک و سرزمین مشترک و مانند اینها را دربرمی گیرد) با مرزهای دولت منطبق باشند و ملت سرنوشت خود را در دست داشته باشد و دولت ملی مهم ترین سازمان سیاسی آن باشد. (آشوری، ۱۳۷۳: ۳۱۹) امام خمینی(ره) ناسیونالیسم را چنین تعریف می کند: «آن چیزی که آنها اصرار به آن دارند این است که ما با هم مجتمع نشویم، ما باهم برادر نباشیم، مسلمانها در هر جا که هستند با اشکال مختلفه [باشند]؛ یک شکل آن ملی گرایی، آن می گوید ملت فارس، آن می گوید ملت عرب، آن می گوید ملت ترک. این ملی گرایی به این معناست که هر کشوری، هر زبانی بخواهد مقابل کشور دیگر و زبان دیگر بایستد، این آن امری است که اساس دعوت پیغمبرها را به هم می زند». (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۴)

توصیف سپهر گفتمانی امام خمینی(ره) در خصوص هویت

همانطور که پیش تر گفته شد با توجه به این که در دوره اول سیاستگذاری مدونی وجود نداشت، اصول گفتمان حاکم بر سیاستگذاری هویتی در این دوره را می توان در بیانات امام خمینی(ره) پیگیری نمود. به منظور مشخص ساختن گفتمان حاکم بر سخنان امام(ره) در ارتباط با هویت آنها سعی شده تا از متن چند سخنرانی ایشان در صحیفه امام استفاده شود. سخنان ایشان با تکیه بر روش تحلیل گفتمان فرکلاف و لاکلائو و موفه مورد بررسی قرار خواهد گرفت. برای این امر پنج مورد از بیانات ایشان در صحیفه امام (متن اول، ج ۱۳: ۲۲۵؛ متن دوم، ج ۱۳: ۲۰۹؛ متن سوم، ج ۸: ۲۷۳؛ متن چهارم، ج ۱۳: ۱۵۳؛ متن پنجم، ج ۱۳: ۱۶۳) انتخاب شدند.

متن اول برگرفته از صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۲۵ است. این متن مربوط به بیانات امام خمینی(ره) است که در جمع عشایر خوزستان و اعضای شوراهای اسلامی دشت آزادگان در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۵ ارائه گردید:

«اسلام آمده است تا تمام ملل دنیا را، عرب را، عجم را، ترک را، فارس را همه را با هم متحد کند و یک امت بزرگ به نام امت اسلام در دنیا برقرار کند تا کسانی که می خواهند بر این دولت های اسلامی و مراکز اسلام سلطه پیدا کنند، به واسطه ای اجتماع بزرگ مسلمانان از هر طایفه نتوانند. نقشه قدرت های بزرگ و وابستگان آنها در کشورهای اسلامی این است که این قشرهای مسلم را که خدای تبارک و تعالی بین آنها اخوت ایجاد کرده و مؤمنان را به نام اخوت یاد فرموده است از هم جدا کنند و به اسم ملت ترک، ملت کُرد، ملت عرب، ملت فارس از هم جدا کنند، بلکه با هم دشمن کنند

و این درست برخلاف مسیر اسلام است و مسیر قرآن کریم. تمام مسلمانان با هم برادرند و برابرند و هیچ یک از آنها از دیگری جدا نیستند و همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند. اینهایی که با اسم ملیت و گروه‌گرایی بین مسلمانان تفرقه می‌اندازند، اینها لشگرهای شیطان و کمک‌کار قدرتهای بزرگ و مخالفان با قرآن کریم هستند». (صحیفه امام، ج ۳: ۲۲۵)

جدول شماره ۲: مربوط به توصیف متن اول، برگرفته از صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۲۵.

واژگان کانونی	واژگان سلبی	قطب‌بندی‌ها	نقش فاعلی	وجه دستوری	جان کلام	پیش‌فرض‌ها
اسلام، ملل دنیا، عرب، عجم، ترک، فارس، متحد، امت اسلام، برادری، برابری، پرچم اسلام، پرچم توحید.	قدرت‌های بزرگ و وابستگان آنها، تفرقه، گروه‌گرایی، لشگرهای شیطان، کمک‌کار قدرتهای بزرگ، مخالفان با قرآن کریم.	عرب مقابل عجم، ترک مقابل فارس، ملت ترک مقابل ملت کرد و ملت عرب مقابل ملت فارس	اسلام و قدرتهای بزرگ و لشگرهای شیطان	وجه دستوری با افعالی نظیر «باید باشند» مورد استفاده قرار گرفته که بیانگر وجه بیانی حقیقت مسلم است.	تمام مسلمانان باهم برادرند و برابرند و هیچ یک از آنها از دیگری جدا نیستند و همه آنها زیر پرچم اسلام و زیر پرچم توحید باید باشند	اسلام دین اتحاد دینی و همبستگی و برادری است. در جامعه‌ای که دین اسلام حاکم باشد، نقشه دولت‌های استکباری در ایجاد تفرقه نقش بر آب خواهد شد.

در متن دوم که برگرفته از صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۲۰۹ و مربوط به پیام امام خمینی (ره) به حاجیان بیت‌الله الحرام در سال ۱۳۵۹ است، ایشان چنین بیان می‌کنند: «در مسائلی که طراحان برای ایجاد اختلاف بین مسلمانان طرح می‌کنند و عمال استعمارگران در تبلیغ آن به پا خاسته‌اند، قومیت و ملیت است که دولت عراق سال‌هاست بدان دامن می‌زند و بعضی از طوایف هم همان راه را در پیش گرفته‌اند و مسلمانان را در مقابل هم قرار داده‌اند و حتی به دشمنی کشیده‌اند، غافل از آن‌که حب

وطن، حب اهل وطن و حفظ و حدود کشور مسأله‌ای است که در آن حرفی نیست و ملیت‌گرایی در مقابل ملت‌های مسلمان دیگر، مسأله‌ای دیگر است که اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم(ص) برخلاف آن است و آن ملی‌گرایی که به دشمنی بین مسلمانان و شکاف در صفوف مؤمنان منجر می‌شود و برخلاف اسلام و مصلحت مسلمانان و از حیل‌های اجانب است که از اسلام و گسترش آن رنج می‌برند... اگر یک اشخاصی پیدا شدند و خواستند با تبلیغات، اختلافی بین شما برادرها ایجاد کنند، بین برادرهای عرب و عجم، بین برادرهای کُرد و غیر کُرد، ترک و غیر ترک، بدانید که توطئه است». (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۰۹)

جدول شماره ۳: مربوط به توصیف متن دوم، برگرفته از صحیفه امام ج ۱۳، ص ۲۰۹

ایجاد اختلاف بین مسلمانان، استعمارگران، قومیت و ملیت، حب وطن، ملی‌گرایی، دشمنی بین مسلمانان، حیل‌های اجانب، تبلیغات سوء، برادرهای عرب و عجم، برادرهای کُرد و غیر کُرد، ترک و غیر ترک، توطئه.	واژگان کانونی
ایجاد اختلاف بین مسلمانان، ملیت‌گرایی در مقابل ملت‌های مسلمان دیگر، دشمنی بین مسلمانان، اختلاف بین برادران عرب و عجم، برادرهای کُرد و غیر کُرد، ترک و غیر ترک	واژگان سلبی
برادرهای عرب و عجم، برادرهای کُرد و غیر کُرد، ترک و غیر ترک.	قطب‌بندی‌ها
در متن فوق از واژگان «طراحان»، «عمال استعمارگران»، در نقش فاعلی استفاده شده؛ و از آنها به طور صریح به منزله‌ی عوامل ایجاد حس ملی‌گرایی و ایجاد اختلاف بین مسلمانان یاد شده است.	نقش فاعلی
هم‌چنین در متن فوق، وجه دستوری با افعالی نظیر «طرح می‌کنند»، «دامن می‌زنند»، «به دشمنی کشیده‌اند»، «منجر می‌شود» شروع می‌شود و در نهایت به وجه دستوری «بدانید» ختم می‌شود که بیانگر وجه اخباری و آگاهی‌بخشی متن فوق دارد.	وجه دستوری
جان کلام این متن، جدی گرفتن موضوع وحدت و اخوت و برادری و همبستگی بین مسلمان و پرهیز از تفرقه‌گرایی و ملی‌گرایی است.	جان کلام
ناسیونالیسم و قومیت‌گرایی با روح اخوت و برادری و همبستگی که در آموزه‌های اسلامی بر آن تأکید شده است مغایرت دارد. این پیش‌فرض‌ها مشخص می‌کنند که ناسیونالیسم به منزله‌ی اغیار در سپهر گفتمانی امام خمینی(ره) خود را نشان می‌دهد.	پیش‌فرض‌ها

در متن سوم که برگرفته از صحیفه امام، ج ۸، ص ۲۷۳ است، امام خمینی(ره) در تاریخ ۱۳۵۸/۶/۲ در قم در حضور اқشار مختلف مردم چنین بیان می‌کنند: «ما خادم برادران کردستانی هستیم و خادم برادران بلوچستانی و سیستانی و همه طبقات. ما

می‌خواهیم شما را نجات بدهیم از دست این خائن‌ها، شما هم کمک کنید این خائن‌ها را از خود دور کنید، سران اینها را بگیرید تحویل بدهید. اینها به اسلام عقیده ندارند، اینها با قرآن مخالف‌اند».

جدول شماره ۴: مربوط به توصیف متن سوم، برگرفته از صحیفه امام، ج ۱ ص ۲۷۳.

واژگان کانونی	واژگان سلبی	قطب‌بندی‌ها	نقش فاعلی	وجه دستوری	جان کلام	پیش فرض‌ها
خادم، برادران کردستانی، برادران بلوچستانی و سیستانی، خادم همه طبقات، نجات دادن، خائن‌ها، سران، عدم اعتقاد به اسلام، مخالف قرآن.	«خائن‌ها» و «سران آنها» که در عین حال به اسلام و قرآن نیز اعتقادی ندارند، در برابر اقدامات حکومت برای نجات گُردها و بلوچ‌ها و سیستانی‌ها اختلال ایجاد می‌کنند.	خائنین و سران آنها در یکسو و ما (حکومت) و شما (مردم) در سوی دیگر	استفاده از ضمائر «ما»، «آنها» در متن فوق حاکی از آن است که هرگونه اقدام برای بهبود شرایط زندگی مردم ساکن در کشور منوط به همکاری بین حکومت (ما) و مردم (شما) است.	وجه دستوری با فعلی نظیر «کمک کنید»، «دور کنید»، «بگیرید»، «تحویل بدهید» مورد استفاده قرار گرفته که بیانگر معنای تکلیفی و وجه بیانی حقیقت مسلم است.	هرگونه اقدامی که به منظور تضعیف جایگاه مردم در کشور انجام می‌شود نتیجه فعالیت خائنین به ملت و عمال استعمارگران است.	جمهوری اسلامی ایران خدمتگزار مردم است و در فرایند خدمتگزاری به مردم فرقی قائل نمی‌شود.

متن چهارم برگرفته از صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۵۳ است. امام خمینی در جمع اقشار مختلف مردم در ۱۳۵۹/۶/۴ چنین بیان می‌کنند:

«امروز روزی است که همه به دستور اسلام، به دستور قرآن کریم با هم متحد باشند، تنازع نکنند. اگر تنازع با هم بکنند، بر هر شیوه‌ای باشد، به حسب قرآن کریم ممنوع است این تنازع؛ و اگر تنازع بکنند، غش می‌آورد و رنگ و بوی انسان را و ملت را از بین می‌برد. این دستور خدای کریم است. اینهایی که دارند کوشش می‌کنند تفرقه بیندازند و تنازع ایجاد کنند و معذک ادعای اسلام می‌کنند، اینها آن اسلامی را که قرآن

کتاب اوست، آن اسلامی را که کعبه قبله اوست آن اسلام را نیافته‌اند و به آن اسلام نیاورده‌اند. آنهایی ایمان به اسلام آورده‌اند که قرآن را و محتوای قرآن را قبول دارند، محتوای قرآن که می‌فرماید که «مؤمنون اخوه» هستند، برادر هستند باهم، برادری هر چه اقتضا می‌کند اینها باید انجام دهند.» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۱۵۳)

جدول شماره ۵: مربوط به توصیف متن چهارم، برگرفته از صحیفه امام، ج ۱۳: ۱۵۳.

واژگان کانونی	واژگان سلبی	قطب‌بندی‌ها	نقش فاعلی	وجه دستوری	جان کلام	پیش فرض‌ها
دستور اسلام، دستور قرآن کریم، عدم تنازع، انسان، ملت، دستور خدای کریم، تفرقه انداختن، قرآن، کعبه، ایمان به اسلام	تنازع، تفرقه، اسلام نیافتن، اسلام نیاوردن.	تفرقه‌اندازها، مدعیان اسلام در یک‌سو و مؤمنون و آنها که اسلام آورده‌اند در سوی دیگر	اسلام، قرآن، آنهایی که اسلام آورده‌اند، مؤمنون	وجه دستوری با افعالی نظیر «متحد باشند»، «تنازع نکنند»، «باید انجام دهند» مورد استفاده قرار گرفته که بیانگر معنای رابطهای تکلیفی و وجه بیانی حقیقت مسلم است.	جدی گرفتن مسأله وحدت و همبستگی بین مسلمان و این‌که هرگونه حرکت در راستای ایجاد تفرقه و تعارض بین مردم مسلمان برخلاف آموزه‌های قرآن کریم اسلام است	مهم‌ترین مسأله مسلمانان حفظ وحدت است. ملتزم بودن به مسئله وحدت منطبق بر آموزه‌های اسلامی و قرآنی است و تمامی کسانی که به این مسأله اعتقادی ندارند معنای واقعی قرآن و اسلام را درک نکرده‌اند.

در متن پنجم که برگرفته از صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۱۶۳ است، امام می‌فرماید: «... من امیدوارم که تمام برادرهای ما در اطراف ایران، چه برادرهای اهل سنت و چه برادرهای اهل تشیع و تمامی کسانی که در این ملت هستند از اقلیت‌های مذهبی همه با هم مجتمع باشند و همه مثل برادر باهم رفتار کنند ... علمای اعلام و خطبای محترم کشورهای اسلامی دولت‌ها را دعوت کنند که از وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی خود را رها کنند و با ملت خود تفاهم کنند، در این صورت پیروزی را در آغوش خواهند کشید و نیز ملت‌ها را دعوت به وحدت کنند و از نژادپرستی که مخالف دستور اسلام است، بپرهیزند و با برادران ایمانی خود در هر کشوری با هر نژادی که هستند، دست برادری دهند که اسلام بزرگ آنان را برادرخوانده و اگر این برادری

ایمانی با همت دولت‌ها و ملت‌ها و با تائید خداوند متعال روزی تحقق یابد، خواهید دید که بزرگترین قدرت جهان را مسلمین تشکیل می‌دهند» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۱۶۳).

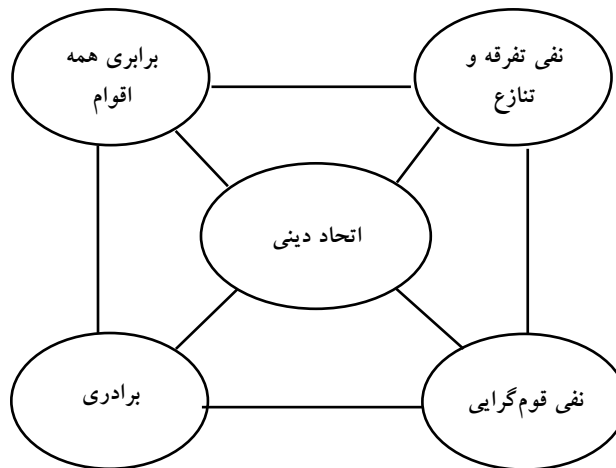
جدول شماره ۶: مربوط به توصیف متن پنجم، برگرفته از صحیفه امام، ج ۱۳: ۱۶۳.

واژگان کانونی	برادرهای ما برادرهای اهل سنت، برادرهای اهل تشیع، ملت، وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی، دعوت به وحدت، نژادپرستی، مخالف دستور اسلام، برادران ایمانی
واژگان سلبی	وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی، نژادپرستی.
قطب‌بندی‌ها	وحدت در برابر نژادپرستی، وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی در برابر ملت
نقش فاعلی	برادرهای ما در اطراف ایران، چه برادرهای اهل سنت و چه برادرهای اهل تشیع، ملت، مجتمع، برادر، علمای اعلام، خطبای محترم، دولت‌ها
وجه دستوری	به لحاظ وجه دستوری متن فوق در ابتدا با افعالی نظیر «مجتمع باشند»، «رفتارکنند»، «دعوت کنند» که بیانگر وجه امری جملات فوق است و سپس به افعالی نظیر «در آغوش خواهند کشید»، «خواهید دید» که دارای وجه اخباری و آگاهی بخشی و پیش‌بینی کننده است، پایان می‌یابد.
جان کلام	جان کلام این متن، از یک سو تأکید بر مسأله وحدت بین اقوام اسلامی و از سوی دیگر تأکید بر نقش تعیین کننده علمای اسلام در تذکر دادن و نهایتاً رهانیدن دولت‌های اسلامی از وابستگی به قدرت‌های بزرگ خارجی و در نتیجه پرهیز از اتخاذ سیاست‌های نژادپرستانه از سوی دولت‌های مذکور است.
پیش فرض‌ها	مسلمانان از هر نژاد و قومی که باشند به مثابه برادر یکدیگرند و باید که همانند برادران ایمانی یکدیگر رفتار نمایند. در نتیجه آگاهی بخشی علمای اسلامی و تذکرات آنها از میزان وابستگی دولت‌های اسلامی به قدرت‌های خارجی کاسته خواهد شد.

تفسیر سپهر گفتمانی امام(ره) در خصوص هویت اقوام

یکی از مهم‌ترین معیارها برای تشخیص دال مرکزی در تحقیقاتی این‌چنینی که از روش تحلیل گفتمان فرکلاف و لاکلائو و موفه به‌طور توأمان استفاده می‌شود، مسأله تکرار است. بر این اساس دال یا نشانه‌ای که بیشتر مورد تأکید قرار گرفته باشد، طبعاً نقش مهم‌تری دارد. علاوه بر این به آن نشانه‌ای دال مرکزی اطلاق می‌کنیم که دال‌های دیگر براساس آن تعریف شده باشند و میان آنها رابطه‌ای شکل گرفته باشد. با توجه به آنچه گفته شد دال مرکزی در ارتباط با سیاست‌های هویتی در بیانات امام(ره) اتحاد دینی

است. در ارتباط با دال شناور نیز باید گفت که دال‌های شناور به عناصر و دال‌هایی گفته می‌شود که معنی آنها تثبیت شده نیست و گفتمان‌های مختلف سعی در معنا دهی به آنها را دارند. آنها دال‌هایی‌اند که در درون گفتمان مفصل‌بندی شده‌اند و موقتاً به هویت و معنایی دست یافته‌اند. بر این اساس نفی تفرقه و تنازع، برابری همه اقوام، نفی قوم‌گرایی و برادری در زمره دال‌های شناور در سپهر گفتمانی امام خمینی(ره) است. دال‌های مرکزی و شناور به‌روشنی در متن سخنرانی‌های امام(ره) در صحیفه نور در (متن اول، ج ۱۳: ۲۲۵؛ متن دوم، ج ۱۳: ۲۰۹؛ متن سوم، ج ۸: ۲۷۳؛ متن چهارم، ج ۱۳: ۱۵۳؛ متن پنجم، ج ۱۳: ۱۶۳) پیداست. به‌طور مثال تأکید بر کلماتی نظیر امت بزرگ، امت اسلام، اجتماع بزرگ مسلمانان، قشرهای مسلم (متن اول)، متحد باشند، تنازع نکنند (متن چهارم)، دعوت به وحدت (متن پنجم) به‌طور ضمنی بیانگر دال مرکزی این گفتمان یعنی اتحاد دینی است. همین‌طور تأکید بر کلماتی نظیر برادرهای عرب و عجم، برادرهای گُرد و غیرگُرد، ترک و غیرترک (متن دوم)، برادران کردستانی، برادران بلوچستانی و سیستانی (متن سوم)، برادرهای ما در اطراف ایران، برادرهای اهل سنت، برادرهای اهل تشیع، برادران ایمانی (متن پنجم) دلالت بر دال شناور برادری در مفصل‌بندی گفتمان حاکم بر سیاست هویتی در اندیشه امام(ره) دارد. در مورد دال‌های شناور دیگر در این مفصل‌بندی نیز می‌توان این رویه را در پیش گرفت.



شکل شماره ۱: مفصل‌بندی گفتمان حاکم بر اندیشه امام خمینی(ره) در مورد سیاستگذاری هویتی

تبیین سپهر گفتمانی امام(ره) در خصوص هویت

انقلاب اسلامی در ایران با شعار و ایده‌ی اخوت اسلامی و آرمان شکل‌گیری امت واحده اسلامی پیروز شد و از آنجا که مخاطبان پیام انقلاب، در دنیای اسلام و کشورهای همسایه، مردمانی بودند که قرابت قومی، زبانی و مذهبی با اقوام ایرانی، عرب، ترکمن، بلوچ، کُرد و آذری داشتند، در عمل پیگیری ایده‌ی وحدت دنیای اسلام در سیاست خارجی، با سیاستگذاری هویتی در داخل و نوع برخورد نظام با گروه‌های قومی مذهبی کشورمان گره خورد. دغدغه رهبران حکومت دینی از بهره‌برداری مخالفان و کشورهای رقیب جمهوری اسلامی از پراکندگی و اختلافات زبانی و مذهبی در ایران (به شکلی که در سال‌های نخست انقلاب روی داد) داعیه وحدت‌طلبی و تلاش برای پیشبرد دگرترین وحدت و اتحاد دینی شیعه و سنی را عمق و شدت مضاعف می‌بخشید. دگرترین وحدت تنها وجه شعاری و صوری نداشت و گویای طرز تلقی دست‌کم طیفی از رهبران انقلاب از مبانی و وفاق ایرانیان و تعریف و برداشت آنان از شناسه‌ها و مبانی هویت ایرانی و ایرانیان بود. برداشتی که براساس آن اسلام عامل هویت‌بخش و ایجاد همبستگی ملی بوده و بر دیگر مؤلفه‌های هویت ایرانی اعم از زبان، سرزمین و دیرینه تمدنی پیش از اسلام و یا باور به تبار مشترک رجحان داشت. در واقع غیریت گفتمانی در این دوره چه در بیان قانون اساسی و چه در بیانات امام خمینی(ره) گفتمان هویت‌بخش ناسیونالیسم ایرانی بوده است. ناسیونالیسم ایرانی به‌زعم طرفداران آن در کسوت هویتی فراگیر می‌بایست بر فراز همه هویت‌های مادون ملی گسترش می‌یافت. طبعاً پیشینه‌ی گفتمان مدرنیسم به این معنا به اندیشه‌های نخستین نسل روشنفکران ایرانی، در اواخر سده نوزدهم، بازمی‌گردد که ستایشگر تجربه دولت ملی در اروپا بودند و در این گفتمان زبان فارسی به‌مثابه رشته پیوند ملت ایران در طی تاریخ اهمیت خاصی پیدا می‌کرد. در همین رابطه طبعاً تاریخ پیش از اسلام ایران نیز از چشم‌انداز گسترش هویت ایرانی در مقابل دیگر هویت‌ها در مرکز توجه روشنفکران قرار گرفت و در عوض تجربه تاریخی ایران در دوران پس از اسلام تحقیر شد. (بشیریه، ۱۳۸۶: ۸۲۰)

روشنفکران نسل اول به درجات مختلف بر ضرورت زدودن هویت ایرانی از زنگارهایی که آنها را در طی تاریخ فراگرفته است، تأکید گذاشتند. زبان فارسی، نژاد آریایی و مذهب زرتشت در نزد برخی روشنفکران تندرو سه پایه‌ی اصلی هویت از دست‌رفته ملت ایران به‌شمار می‌آمدند. سرزمین ایران نیز طبعاً چارچوب جغرافیایی طبیعی هویت ملی هر ایرانی را تشکیل می‌داد. در گفتمان هویت ملی هر ایرانی در هر گوشه

دورافتاده‌ای از این سرزمین می‌بایست با ایرانی دیگر در گوشه دورافتاده دیگری احساس همبستگی و هویت کند و درعین حال با همسایگان نزدیک خود در فراسوی مرزهای ملی احساس بیگانگی داشته باشد. در این میان باید همه تعلقات هویت‌بخش دیگر رنگ ببازند و یا بی‌معنا شوند. در نتیجه اقوام مختلف ساکن در سرزمین ایران همگی ایرانی به‌شمار می‌آیند و همه هویت‌های دیگرشان از حیث تعلق ملی بی‌اعتبار می‌شوند (بشیریه، ۱۳۸۶: ۸۲۰).

بنابراین پیگیری سیاست‌های هویت‌بخش در این دوره در راستای تقویت همبستگی ملی پاسخی به روند اسلام‌زدایی در دوران پهلوی نیز بود. بدین وصف اسلام مخرج مشترک قاطبه ایرانیان مینا و شالوده‌ی سیاست هویتی قرار گرفت و پیوندهای دیگر فرهنگی زبانی و نژادی که آنان را در چهارچوب هویت ایرانی و حوزه فرهنگی و تمدن ایران‌زمین گردهم می‌آورد در مراتب بعدی قرار گرفت یا برای مدتی نادیده گرفته شد. امام(ره) در موضع ایدئولوگ و رهبر سیاسی و مذهبی جامعه انقلابی، نقش مؤثری در ایجاد وحدت و بسیج توده‌ای در بین تمامی اقشار جامعه طی دوران انقلاب و پس‌از آن داشت.

خلاصه و نتیجه‌گیری

در سال‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی شخصیت امام خمینی(ره) اصلی‌ترین عامل هژمونیک شدن گفتمان انقلاب اسلامی و استمرار آن بود. امام همچون دال مرکزی بود که کل دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی حول شخصیت جامع او با هم مفصل‌بندی می‌شدند. بر این اساس در سال‌های آغازین دوره اول که فاصله بین سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۸ را شامل می‌شود، فضای گفتمانی حاکم بر سیاست‌های هویتی متأثر از شخصیت جامع امام خمینی(ره) بوده است و مهم‌ترین پیش‌فرض‌های موجود در بیانات ایشان را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- مهم‌ترین مسأله در عصر کنونی برای مسلمانان حفظ وحدت است.
- اسلام دین اتحاد دینی و همبستگی و برادری است.
- در جامعه‌ای که دین اسلام حاکم باشد. نقشه دولت‌های استکباری در ایجاد تفرقه نقش بر آب خواهد شد.
- عامل اصلی ایجاد تفرقه و جدایی در بین مسلمانان، ناسیونالیسم ترویجی دولت‌های استکباری است.

- قطب‌بندی‌هایی نظیر ملت ترک، ملت کُرد یا ملت عرب، ملت فارس نقشه دولت‌های استکباری است و باعث ایجاد تقابل و دشمنی در بین مسلمانان می‌شود.
- آموزه‌های اسلام و قرآن کریم و دستور نبی اکرم(ص) ملیت‌گرایی و قومیت‌گرایی را نفی می‌کنند.
- هرگونه تبلیغی که موجب ترویج ملیت‌گرایی و قومیت‌گرایی گردد باید توطئه در نظر گرفته شود.
- حکومت جمهوری اسلامی ایران خدمتگزار همه مردم ایران است.
- بهبود شرایط مردم ایران و رهایی از توطئه خائنین و عمال استعمارگر نیازمند همکاری بین حکومت و مردم است.
- تمامی کسانی که به وحدت بین مسلمانان اعتقاد ندارند در راستای منافع کسانی فعالیت می‌کنند که خواهان ایجاد تفرقه و تعارض بین مسلمانان هستند.
- ملتزم بودن به مسأله‌ی وحدت بین مسلمانان امری است منطبق بر آموزه‌های اسلامی و قرآنی و تمامی کسانی که به این مسأله اعتقادی ندارند معنای واقعی قرآن و اسلام را درک نکرده‌اند.
- مسلمانان از هر نژاد و قومی که باشند به‌مثابه برادر یکدیگرند.
- علمای اسلامی بایستی که به نقش آگاهی‌بخش خود نسبت به دولت‌های اسلامی واقف گردند؛ چراکه در نتیجه تذکرات و آگاهی‌بخشی آنها دولت‌های اسلامی از میزان وابستگی‌شان به قدرت‌های خارجی خواهند کاست.
- اتخاذ سیاست‌های هویتی که منجر به ایجاد روحیه‌ی اخوت و برادری بین مردم مسلمان گردد، در نهایت سبب تقویت دولت‌های اسلامی خواهد شد. با توجه به تحلیل‌های صورت گرفته در متن که شرح مفصل‌تر آن پیش‌تر ذکر گردید، دال مرکزی در ارتباط با سیاست‌های هویتی در بیانات امام(ره) اتحاد دینی است. هم‌چنین نفی تفرقه و تنازع، نفی قوم‌گرایی، برابری و برادری در زمره دال‌های شناور در گفتمان سیاست هویتی امام خمینی(ره) هستند. دال‌های مرکزی و شناور مربوطه به‌روشنی در متن سخنرانی‌های امام(ره) در صحیفه نور در (متن اول، ج ۱۳: ۲۲۵؛ متن دوم، ج ۱۳: ۲۰۹؛ متن سوم، ج ۸: ۲۷۳؛ متن چهارم، ج ۱۳: ۱۵۳؛ متن پنجم، ج ۱۳: ۱۶۳) پیدا است. به‌طور مثال تأکید بر کلماتی نظیر امت بزرگ، امت اسلام، اجتماع بزرگ مسلمانان، قشرهای مسلم (متن اول)، متحد باشند، تنازع نکنند (متن چهارم)، دعوت به وحدت (متن پنجم) به‌طور ضمنی بیانگر دال مرکزی این گفتمان یعنی اتحاد دینی است.

همین‌طور تأکید بر کلماتی نظیر برادرهای عرب و عجم، برادرهای کُرد و غیرکُرد، ترک و غیرترک (متن دوم)، برادران کردستانی، برادران بلوچستانی و سیستانی (متن سوم)، برادرهای ما در اطراف ایران، برادرهای اهل سنت، برادرهای اهل تشیع، برادران ایمانی (متن پنجم) دلالت بر دال شناور برادری در مفصل‌بندی گفتمان حاکم بر سیاستگذاری هویتی در اندیشه امام(ره) دارد.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۷۳): *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید.
- اشرف، احمد (۱۳۸۳): *بحران هویت ملی و قومی در ایران*، احمدی (گردآورنده)، ایران، هویت، ملیت، قومیت، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- اکبری، عسگر (۱۳۹۹): «مؤلفه‌های هویت ایرانی - اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲۱، ش ۸۳، صص ۶۴-۴۵.
- امام خمینی(ره) (۱۳۶۰): *صحیفه امام*، ج ۸ و ۱۳، چ ۲.
- امام خمینی(ره) (۱۳۹۲): *قومیت، ملیت و اندیشه فراملی از دیدگاه امام خمینی(ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- بالمر، مارتین؛ سولوموز، جان (۱۳۸۱): *مطالعات قومی و نژادی در قرن بیستم*، ترجمه پرویز دلیرپور و سیدمحمدکمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- برزگر، ابراهیم (۱۳۷۹): «صراط، ضابطه هویت در اندیشه امام خمینی(ره)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۵، صص ۱۵۷-۱۳۵.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۶): *عقل در سیاست، سی‌وپنج گفتار در فلسفه، جامعه‌شناسی و توسعه سیاسی*، نگاه معاصر، تهران.
- تقی‌لو، فرامرز (۱۳۸۶): «تنوع قومی، سیاست چندفرهنگی و الگوی شهروندی: بررسی موردی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، دوره ۱۰، ش ۳۵، صص ۳۱-۹.
- رنجبر، مقصود (۱۳۸۴): «معرفی و نقد کتاب نظریه‌های ناسیونالیسم»، اثر اموت اوز کریملی، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۶، ش ۴، صص ۱۶۶-۱۵۳.

- رنجبر، مقصود؛ اصلانی، مسعود؛ افراسیابی، هادی (۱۳۹۷)؛ «بررسی و تحلیل نظام سیاستگذاری قومی در ایران»، *فصلنامه راهبرد سیاسی*، س ۲، ش ۷، صص ۱۴۵-۱۱۳.
- سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۷)؛ *قدرت، گفتمان و زبان: سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر نی.
- شیرازی، اصغر (۱۳۹۵)؛ *ایرانیّت، ملیّت، قومیت*، تهران: چاپ نگاه.
- علیزاده، مزده (۱۳۹۹)؛ «بررسی مؤلفه‌های هویت ملی در کتاب‌های فارسی ابتدایی (تألیف‌های جدید ۱۳۹۸)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲۱، ش ۸۳، صص ۸۴-۶۵.
- غلامی، محمدرضا (۱۳۹۵)؛ «تحلیل گفتمان سیاست‌های قومی پس از انقلاب اسلامی (با تأکید بر دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۶)»، *فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، دوره ۶، ش ۲۰، صص ۱۲۴-۱۱۱.
- قاسمی، زهرا؛ محمدکاظم، کاوه پیشقدم؛ بهزادی، محمدحسین (۱۳۹۲)؛ *بررسی مفهوم قومیت و ملی‌گرایی در اندیشه امام خمینی (ره) و شهید مطهری*، همایش قومیت و فرهنگ ایران اسلامی، تبریز: دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، https://www.civilica.com/Paper-GHOMIYAT01-GHOMIYAT01_003.html
- مالشویج، سینیشا (۱۳۹۰)؛ *جامعه‌شناسی قومیت*، ترجمه پرویز دلیرپور، تهران: انتشارات آمه.
- محمودی، ابوالقاسم؛ افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ یزدان‌پناه، کیومرث (۱۳۹۸)؛ «ارزیابی الگوهای سیاستگذاری و مدیریت قومی در ایران»، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، س ۲۶، ش ۹۹، صص ۲۷۶-۲۴۹.
- مقصودی، مجتبی (۱۳۷۹)؛ «فرهنگ، ارتباطات و تحولات قومی، (بررسی نظری)»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۲، ش ۶، صص ۱۹۶-۱۷۱.
- ----- (۱۳۸۰)؛ *تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها*، تهران، مؤسسه مطالعات ملی.
- هوشنگی، حمید (۱۳۹۶)؛ *تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران: راهبردها و سیاست‌ها*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- Giok, L, O. (2005); "The Role of the Developmental State and Interethnic Relations in Singapore", *Asian ethnicity journal*, Volume 6, 2005 - Issue 2.
- Jumageldinov, A. (2014); "Cultural Identification and Interethnic relations IN Kazakhstan", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 114 (2014) 782-786.